

دغدغه‌های نشر و ترجمه از زبان سمانه رزاقی و صبورا جلالی در گفت‌وگو با صبا

باسیلی صورت‌مان را سر



احمدرضا حجاززاده
گفت و گو

مشکلاتی که ناشران برای چاپ کتاب خوب و باکیفیت با آنها روبرو هستند نظیر قیمت کاغذ و سختگیری‌های وزارت فرهنگ در صدور مجوز چاپ کتاب و همچنین افزایش بهای کتاب‌ها و شرایط نابسامان اقتصادی جامعه، از مهم‌ترین عوامل در رکود مخاطبان اهل کتاب هستند. با این حال هنوز ناشرانی هستند که سرسختانه و با تمام توان می‌کوشند کتاب خوب به دست علاقه‌مندان مطالعه برسانند. خبرنگار صبا با سمانه رزاقی (ناشر) و صبورا جلالی (مترجم) به گفت‌وگو نشست و درباره دغدغه‌های نشر و حواشی پیش روی آن صحبت کرده است که در ادامه می‌خوانید.

سمانه رزاقی:

دستم‌مان برای انتشار کارهای ایرانی بسته است

پیش از هر چیز، نشر نفیر را کمی بیش‌تر معرفی کنید.

ما سال ۹۴ مجوز نشر را گرفتیم اما اولین کتاب‌های مان شهر یورماه سال ۹۵ به چاپ رسید. طی این سال‌ها، حدود هشتاد جلد کتاب منتشر کرده‌ایم که عمده فعالیت ما، در حوزه ادبیات، شامل رمان، شعر، مجموعه داستان و زندگینامه به صورت ترجمه و تألیف است که در اختیار مخاطبان و علاقه‌مندان به ادبیات قرار داده‌ایم. متأسفانه با توجه به شرایط فروش پایین کتاب‌های تألیفی و شعر در جامعه ما که استقبال چندانی از آنها نمی‌شود، ما هم آثارمان را با ترجمه شروع کردیم، ولی در حین کار، کم‌کم آثار ایرانی مثل مجموعه داستان و رمان و شعر هم اضافه شد.

اولین کتابی که در نشر نفیر منتشر کردید چه بود؟

در اولین فعالیت، ما دو عنوان کتاب را هم‌زمان وارد بازار نشر کردیم، یکی کتاب «همهمه زمان» اثر جولین بارنز با ترجمه مرجان محمدی و دیگری کتاب «پانزده سگ» نوشته آندره آکسیس با ترجمه میثم فدائی. بعد با فاصله‌ای کوتاه، رمان «کلارا کالان» نوشته ریچارد رایت با ترجمه اکرم پدارم‌نیا و «قطار یتیمان» اثر کریستینا بیکر کلاین با ترجمه خانم مریم طباطبائی‌ها در نشر نفیر به چاپ رسیدند.

به عنوان یک ناشر نوپا، آن زمان چه حس و حالی از چاپ اولین کتاب‌ها پتان داشتید؟

طبیعتاً حس و حال خوبی داشتیم، چون هم با مترجمان خوب و سرشناسی کارمان را شروع کرده بودیم و هم این‌که وقتی ما شروع به فعالیت کردیم، دو عنوان کتاب اولمان «پانزده سگ» و «همهمه زمان» هم‌زمان با چند ناشر سابقه‌دارتر از ما وارد بازار شد و این هم‌زمانی ترجمه‌ها، سروصدایی بین اهالی کتاب و رسانه به پا کرد و موجب شد نشر ما هم در آغاز راه دیده بشود.

و آخرین اثری که در نشر نفیر به چاپ رسیده، چه کتابی است؟

رمان «به وقت رهایی» نوشته راشل بی واینستین با ترجمه خانم صبورا جلالی است. البته کتاب‌هایی در دست چاپ هم داریم و طی هفته‌های آینده سه چهار عنوان اثر تألیفی و ایرانی وارد بازار خواهیم کرد.

وقتی تصمیم به چاپ کتاب جدید می‌گیرید، یک اثر - چه تألیف و چه ترجمه - باید چه ویژگی‌ها و فاکتورهایی داشته باشد تا شما را به انتشار آن ترغیب بکند؟

بیش‌ترین هدف ما در نشر نفیر این است که کتاب‌های ضعیف؛ چه ایرانی باشد و چه ترجمه چاپ نکنیم.

ضعیف بودن کتاب در نظر شما چه معیارهایی دارد؟

شاید اصطلاح خوبی نباشد، ولی ما کتاب‌های زرد یا آشپزخانه‌ای را انتخاب نمی‌کنیم. ترجیح می‌دهیم اثر آن به لحاظ محتوا و بار فنی، چیزی برای عرضه به مخاطب داشته باشد. در عین حال، محتوای تکراری نداشته باشد. البته آنچه مورد پسند مخاطب عام است، مد نظر ما نیز هست، چون به فروش مان هم فکر می‌کنیم. هدف ما کتاب‌هایی است که مورد پسند مخاطب عام و خاص باشد. این‌طور نبوده که اثری صرفاً عامه‌پسند یا صرفاً برای مخاطب خاص باشد. کارهای ما اصولاً تعدیل داشته‌اند. انتخاب‌ها توسط مدیر ادبی نشر انجام می‌شود که معمولاً در بخش خارجی، آثار بزرگ دنیا را انتخاب می‌کنیم، مثل کتاب‌های نویسندگان شناخته شده یا آثاری که توجه مخاطبان زیادی را به خود جلب کرده‌اند.

یکی از مسائل مهمی که قشر کتابخوان جامعه با آن روبرو است، ترجمه خوب در کتاب‌های خارجی است. اغلب کتاب‌های نشر نفیر، ترجمه هستند. برای انتخاب مترجم چگونه عمل می‌کنید تا کتاب با ترجمه مناسب به دست مخاطب برسد؟

اوایل کار، مترجمانی را انتخاب می‌کردیم که آثار زیادی را ترجمه

ما هم دست‌مان برای انتشار کارهای ایرانی بسته است. با این حال گاهی اگر موردی بوده که می‌دانستیم باکیفیت است، پذیرفته‌ایم.

در حوزه کار نشر، مهم‌ترین معضلی که یک ناشر با آن روبرو است، چیست؟

اصلی‌ترین معضل ما، فروش است. متأسفانه پخش‌ها با تعداد خاصی از ناشران شناخته شده و قدیمی‌تر همکاری می‌کنند، چون مخاطبان بیش‌تری دارند، بنابراین کم‌تر از ما حمایت می‌کنند، خصوصاً که ما کار عامه‌پسند و پرفروش چاپ نمی‌کنیم و این باعث شده تیراژ کتاب‌های ما پایین بیاید، چون نمی‌توانیم ریسک کنیم. الان دیگر با تیراژ پنجاه یا صد نسخه در مرحله اول کتاب چاپ می‌کنیم. وقتی تیراژ بالا باشد، هزینه‌ها سرشکن می‌شود و بهای تمام شده کتاب کاهش پیدا می‌کند. در نتیجه قیمت پشت جلد پایین‌تر می‌آید و خریدار بیش‌تری خواهد داشت، ولی ما نمی‌توانیم ریسک بکنیم، چون اگر با تیراژ بالا بزنیم کتاب فروش نمی‌رود و در انبار می‌ماند، حتی دستخوش خرابی می‌شود. پخش‌ها هم وقتی از ما با تیراژ صد یا دویست نسخه کتاب می‌گیرند، بارها پیش آمده فروش نداشته‌اند و کتاب‌ها را حتی با آسیب خوردگی برگشت زده‌اند! و این برای ما ضرر است. همچنین، معضل دیگر این است که ما هزینه‌ها را نقدی می‌پردازیم، ولی فروشان به پخش‌ها با تخفیف‌های ۴۰ درصدی و چک‌های بلند مدت ده ماهه تا یک ساله است که عملاً با این شرایط تورم، مساوی با ورشکستگی است. تا الان هم با سبلی صورت‌مان را سرخ نگه داشته‌ایم.

پیشنهادتان برای رفع این معضل چیست؟

کاهش حمایتی از جانب ارگان‌ها می‌شود. مثلاً خود وزارت فرهنگ یا نهاد کتابخانه‌های عمومی از ما خرید می‌کردند. این‌گونه ما می‌توانستیم با تیراژ بالا کتاب چاپ بکنیم و قیمت را پایین‌تر بیاوریم تا ما هم بتوانیم این مسیر را ادامه بدهیم و در بازار نشر ماندگار باشیم.

گاهی از یک اثر، چندین ترجمه متفاوت توسط ناشران مختلف در بازار کتاب عرضه می‌شود. چرا گاهی چنین اتفاقی در عرصه نشر می‌افتد؟ به نظر‌تان تعدد ترجمه از یک کتاب، در فروش یا استقبال از آن تأثیرگذار است؟

دلیل این اتفاق آن است که نظارتی روی کارهای ترجمه نیست، چون ایران عضو کنوانسیون برن نیست و کپی‌رایت هم رعایت نمی‌شود، در نتیجه وقتی اثری در دنیا پرفروش می‌شود، با جایزه می‌برد، طبیعتاً خیلی از ناشران یا مترجمان سروق‌ت آن کتاب می‌روند. هم‌زمان شدن

کرده بودند و از کارشان شناخت داشتیم. یکسری از مترجم‌ها نیز توسط مترجمان دیگر به ما معرفی می‌شدند که طبیعتاً آنها هم از کیفیت کار همکاران‌شان شناخت داشتند. زنده یاد آقای امیر حسین میرزاییان (مترجم) هم تا زمانی که زنده بودند، در معرفی برخی مترجمان به ما کمک می‌کردند اما در مورد مترجم‌هایی که ما شناختی از آنها نداریم، یا آثارشان را بررسی می‌کنیم یا اگر اثری ندارند، بخشی از یک کتاب را به او می‌سپاریم تا برایمان ترجمه کنند. بعد از بررسی اگر مورد تأیید بودند، انتخاب‌شان می‌کنیم.

آیا پیش آمده که مترجمی بدون سفارش شما، دست به ترجمه کتابی زده باشد و برای انتشار آن، به شما مراجعه کرده باشد؟

بله، در برخورد با چنین مترجمانی، ابتدا خلاصه‌ای از داستان یا متن کتاب را می‌پرسیم که ببینیم اثر در چه ژانری قرار دارد و آیا جزو سیاست‌های نشر هست یا خیر؟ اگر مورد تأیید بود، اقدام به چاپ کتاب می‌کنیم، ولی اصولاً از مترجمی که شناختی از او نداریم، اثری نمی‌پذیریم. در این مورد، ریسک کردن سخت است. الان هزینه‌های چاپ بالاست و اگر ما اثر یا مترجم را نشناسیم، نمی‌توانیم با او همکاری کنیم. گاهی پیش آمده که در ارسال اولین متن، یک ترجمه خوب و باکیفیت برایمان می‌فرستند اما وقتی کتاب ترجمه شده را از آنها می‌گیریم، می‌بینیم چه قدر ایراد دارد و کار ویراستاری را سخت می‌کند و هزینه‌های مان را بالا می‌برد.

تعامل شما در نشر نفیر با نویسندگان جوان و تازه‌کاری که علاقه‌مندند اثری به چاپ برسانند، چگونه است؟ آیا از این قشر حمایت می‌کنید؟

بله، ما با تعدادی از نویسندگان که کار اول‌شان را ارائه کرده‌اند، همکاری داشته‌ایم اما با توجه به این‌که کتاب‌های تألیفی از جانب پخش‌ها چندین مورد توجه قرار نمی‌گیرد، نمی‌توانیم در این زمینه زیاد ریسک بکنیم. دلیل پخش‌ها هم برای عدم استقبال از آثار تألیفی، مخاطب است. وقتی مخاطبان از کارهای ایرانی و تألیفی خیلی حمایت نمی‌کنند، ناشر و پخش نمی‌توانند ریسک بکنند. مگر این‌که نویسنده یا کتاب شناخته شده باشد یا با تبلیغات وسیع کتاب را معرفی بکنیم یا حوزه نوشتاری مولف، یک اثر عامه‌پسند باشد. در این صورت برای ناشر مساله‌ای ندارد که ریسک بکند و کار را به چاپ برساند، ولی چون این‌گونه کتاب‌ها معمولاً از جانب مخاطب و پخش‌ها حمایت نمی‌شوند،